



دستبر دزوج جوان

به آرایشگاه زاناه با آب قند

زوج جوان که بی آب قند از آرایشگاهی زنانه در شمال تهران سرقت کرده بودند، پس از دستگیری مدعی شدند به خاطر نیاز مالی مجبور به سرقت شده‌اند. به گزارش جوان، ۱۳ اسفندسال گذشته زن با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و گزارش یک سرقت را اعلام کرد. لحظاتی بعد تیمی از مأموران کلانتری ۰۱ تجریش در محل که آرایشگاهی زنانه بود حاضر شدند. زن آرایشگر در توضیح ماجرا گفت: ساعتی قبل زنی برای آرایش به اینجا آمد. بعد از انجام کارش گفت که فشارش افتاده و از من خواست که برایش آب قند بیاورم. من هم نگران‌ش شدم و به آشپز خانه رفتم و در حال تهیه آب قند بودم که ناگهان مردی چاقو به دست وارد شد. زود زود متوجه شدم که مرد چاقو به دست همدست آن زن است و او در غفلت من، آن مرد را به داخل راه داده است. آنها با تهدید چاقو از من درخواست پول و طلا کردند. در حالی که به شدت ترسیده بودم، ناگهان پسر همرا دوستش از راه رسید. مرد چاقو به دست آنها را هم تهدید کرد. سارقان سرانجام با مقداری لوازم داخل آرایشگاه که ۲۰۰ میلیون تومان قیمت داشت فرار کردند.

بعد از مطرح شدن شکایت تیمی از کارآگاهان پایگاه یکم پلیس آگاهی مأمور رسیدگی به پرونده شدند. مأموران پلیس در اولین گام با بررسی دوربین‌های مداربسته موفق شدند چهره مرد سارق را شناسایی کنند. در شاخه دیگری از بررسی‌ها مأموران مخفیگاه متهم را که ساسمان نام داشت در تجریش شناسایی و ۱۲۱ پیهشت او را بازداشت کردند. ساسمان در اولین بازجویی‌ها به سرقت با همدستی نامزدش اعتراف کرد. او گفت: به خاطر نیاز مالی که داشتم تصمیم به اجرای سرقت گرفتم. با اطلاعاتی که متهم در اختیار پلیس گذاشت نامزدش ثریا هم ۲۸ دی‌بهشت ماه در شهرستان شهربار بازداشت و در بازرسی از خانه او مقداری از لوازم سرقت شده کشف شد. سرهنگ کار آگاه سیدعلی شریفی، رئیس پایگاه یکم پلیس آگاهی پایتخت گفت: دو متهم به دستور بازپرس راهی زندان شدند.

مرگ مادر پس از نجات فرزند

مادر جوان وقتی متوجه شد کودکش به داخل آب سقوط کرده است خود را به آب زد و پس از نجات طفل، غرق شد. به گزارش جوان، سرهنگ حسین نوری فرید، سرپرست فرمانده انتظامی شهرستان هامون گفت: روز گذشته مأموران پلیس از حادثه غرق شدن زنی در رودخانه پل نهر در حاشیه شهرستان هامون با خبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌های مأموران کلانتری ۱۱ نشان داد که پسر سه‌ده و دو نیم ساله همراه خانواده‌اش مشغول تفریح بودند که ناگهان طفل به داخل آب سقوط کند. همزمان با وقوع حادثه مادر ۲۵ ساله خود را به آب می‌زند و طفل را از آب خارج می‌کند اما خودش غرق می‌شود.

اعتراف ۲ سارق به سرقت طلائی

دو مرد سارق که شش سال قبل دو و نیم کیلو طلائی مردی طلا فروش را در سستندج سرقت کرده بودند، سر انجام بازداشت شدند.

به گزارش جوان، سردار علی آزادی، فرمانده انتظامی استان کردستان گفت: سال ۹۳ مأموران پلیس شهرستان سنندج از حادثه سرقت در حاشیه شهر با خبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد که دو سارق پس از زخمی کردن مردی طلا فروش دو و نیم کیلو طلای او را از داخل خودروی وی سرقت کرده و گریخته‌اند. پس از وقوع حادثه تحقیقات برای بازداشت متهمان به جریان افتاد. در حالی که بررسی‌ها با بن‌بست مواجه شده بود، روز گذشته مخفیگاه دو متهم در شهرستان دیواندره شناسایی شد و متهمان بازداشت شدند. دو سارق در بازجویی‌ها به سرقت از طلا فروش و زخمی کردن وی اعتراف کردند.

زن و شوهر جوانی در حالی که ۲۴ ساعت از آشتی آنها نگذشته بود درگیری مرگباری را رقم زدند.

به گزارش جوان، ظهر روز پنج‌شنبه هشتم خردادماه قاضی مرادی، باز پرس ویژه قتل دادرسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری شهر زیبا از قتل مرد جوانی با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی در یکی از بیمارستان های غرب تهران با جسد مرد ۳۸ ساله‌ای به نام حمید روبه‌رو شدند که باصابت ضربه چاقویی به پشتش به کام مرگ رفته بود.

نخستین بررسی‌ها نشان داد دقایقی قبل ساکنان ساختمانی در غرب تهران به مأموران پلیس اطلاع می‌دهند، زوج همسایه‌شان با چاقو زخمی شده‌اند و آنها را برای درمان به بیمارستان منتقل کرده‌اند که پس از حضور مأموران مشخص شد مرد جوان بر اثر خنجریزی شدید فوت کرده و همسرش قهقهه که از ناحیه پا با چاقو زخمی شده‌است از مرگ نجات یافته و تحت درمان است.

در حالی که تحقیقات در باره این حادثه ادامه داشت، پدر و مادر حمید به اداره پلیس رفتند و از عروشان به اتهام قتل پسرشان شکایت کردند و مدعی شدند که آنها از مدتی قبل با هم اختلاف داشته‌اند. بنابراین صبح دیروز قهقهه پس از بهبودی و مرخص

شدن از بیمارستان به عنوان مظنون به قتل شوهرش برای بازجویی به دادرسای امور جنایی منتقل شد.

متهم در تحقیقات پلیسی با انکار قتل شوهرش در ادعایی گفت: هفت سال قبل من و شوهرم در شرکت رنگ‌سازی خودرویی کار می‌کردیم که با هم آشنا شدیم. دوماه با هم ارتباط دوستانه داشتیم و بعد از دواج کردیم، زندگی ما خوب بود و دوسال نیم قبل هم دخترمان به دنیا آمد، اما شش ماه بعد از تولد دخترمان با هم اختلاف پیدا کردیم.

وی ادامه داد: حمید ناگهان دچار بیماری روانی شده به طوری که همیشه توهم داشت و خیال پردازی می‌کرد. او می‌گفت که داخل خیابان افرادی او را تعقیب می‌کنند و قصد دارند وسایل او را سرقت کنند. گاهی وقت‌ها با ترس وارد خانه می‌شد و می‌گفت که افرادی قصد دارند او را بزدزند و بعد هم بکشند. من خیلی تلاش کردم او را کمک کنم اما فایده‌ای نداشت و از طرفی هم پدر و مادرش از ۱۶ سال قبل از هم جدا شده بودند و با آنها هم ارتباطی نداشتیم که از آنها کمک بگیرم. حمید وقتی حالش بد می‌شد مرا کمک می‌زد و من هم از رفتارهای او خسته شده بودم به طوریکه تصمیم گرفتم از او جدا شوم، اما به خاطر دخترم تحمل می‌کردم تا اینکه چند روز قبل از حادثه دوباره او با من درگیر شد و مرا کمک زد که از خانه قهر

کردم و همراه دخترم به خانه پدرم رفتم. چند روزی آنجا بودم تا اینکه یک روز قبل از حادثه حمید به خانه پدرم آمد و با من آشتی کرد و خواست همراه او به خانه برگردم. او حالش خوب نبود به همین خاطر از قرص‌های اعصاب و روان پدرم استفاده کرد و شب به خانه برگشتم. ظهر روز حادثه حمید به اتاقش رفت و کم‌دش را باز کرد و مدعی شد که من کلید کم‌دش را به صاحبکارش داده‌ام و صاحبکارش هم مقداری از وسایل او را سرقت کرده است. پس از این ادعا به حمید گفتم که بهتر است برای درمان به بیمارستان برود و بعد به آشپز خانه رفتم که ناگهان به سوی من حمله کرد و گلویم را گرفت. او قصد داشت مرا خفه کند که او را هل دادم و به زمین خوردم. پس از این فلاسک آب جوش را برداشتم که روی او بریزم، اما موفق نشدم که حمید چاقویی برداشت و به پای من ضربه‌ای زد. سپس دوباره او را هل دادم و از دستش فرار کردم و به داخل پله‌های آپارتمان رفتم و او همسایه‌ها درخواست کمک کرد و آنها هم ما را به بیمارستان بردند. وی در پایان گفت: من متوجه نشدم چطور شوهرم زخمی شد. متهم در ادامه برای تحقیقات بیشتر و روشن شدن زوایایی پنهان این حادثه در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

قاتل: قبل از قتل خیانت نکردم

به درسر افتادم. همانجا سارا قول داداگر دستگیر شدم خودش را همدست من معرفی کند و بگوید در قتل نقش داشته است. اما او دروغ گفته است و خودم به تنهایی ابراهیم را به قتل رساندم.» متهم در خصوص اخفای جسد نیز گفت: «بعد از قتل جسد را در حیاط خانه دفن کردیم و چند روز بعد سارا اعلام مفقودی کرد. این گذشت تا اینکه پنج‌ماه بعد او همراه خانواده‌اش به شیراز رفت. ما رفتن آنها تصمیم گرفتم به شیراز بروم و را از پدرش خواستگاری کنم. با موافقت خانواده سارا ما باهم عقد موقت کردیم.»

متهم درباره اختلاف با همسر اولش نیز گفت: «همسر اولم همه‌اواولم را به نام خودش کرده بود و مرا راه کرده بود. من با فرزند نام زندگی می‌کردم و هنوز همسر اولم اطلاق نداده بودم که سارا ازدواج کردم و حالا صاحب یک فرزند هستیم. باور کنید قبل از ازدواج با سارا با هم هیچ رابطهای نداشتیم.» بعد از دفاعیات مرد میناسال، همسر مقتول در جایگاه قرار گرفت و گفت: «یوب برای دفاع از من مرتکب قتل شد به همین خاطر قول دادم خودم را همدستش معرفی کنم، ولی هیچ ضربه‌ای نزدم و فقط در دفن جسد او را کمک کردم.»

او در پاسخ به سؤال هیئت قضایی درباره اینکه چرا با وجود اختلافات شدید با مقتول از او طلاق نگرفته‌است، گفت: «ابراهیم قبلاً در دواج کرده بود و هر دو همسرش را طلاق داده بود. به همین خاطر وقتی از او درخواست طلاق کردم قبول نکرد و گفت مردم فکر می‌کنند او مشکل دارد و آبروش می‌رود.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

قاتل حرفه‌ای

سارق تابلوی نقاشی کودکان بی سرپرست شد



من سنگ تراش بودم، البته اهل درگیری و دعوا هم بودم تا اینکه سال ۸۳ به خاطر جای پارک خودرویی در یکی از خیابان‌های تهران با مرد جوانی درگیر شدم و او را به قتل رساندم.

چطوری آزاد شدی؟

بعد از قتل حکم قصاص گرفتم و به زندان افتادم.

پس از آن خانواده‌ام تلاش زیادی کردند و موفق شدند با پرداخت ده ۱۵۰ میلیون تومانی از اوایی‌دم رضایت بگیرند. من پنج‌سال و هشت‌ماه به جرم قتل در زندان بودم و در همان زمان هم با افراد افکار آزادی‌ای آشنا شدم و بعد از آزادی هم وارد جره سارقان شدم.

چه شد که تصمیم گرفتی تابلوهای کودکان بی سرپرست را سرقت کنی؟ من خبر نداشتم که آن خانه متعلق به کودکان بی سرپرست است. مدتی قبل یکی از دوستانم گفت این خانه متعلق به خوانندگان زیرزمینی است که تعدادی زیادی وسایل موسیقی و هنری در آن نگهداری می‌کنند. من فکر کردم به خاطر اینکه آنها کارهای غیر قانونی در آنجا انجام می‌دهند اگر وسایل آنها را سرقت کنم شکایت نمی‌کنند.

بله

درباره قتل توضیح بده.

دزد حواس پرت گواهینامه‌اش را

داخل خودرو جا گذاشت

رد یایی گواهینامه‌ای که داخل یک کامیون سرقتی پیدا شده بود، سبب شد تا مأموران پلیس سارق حرفه‌ای را بازداشت کنند.

به گزارش جوان، چهارم اسفندسال گذشته مردی به مأموران کلانتری ۱۵۷ مسعودیه خبر داد که کامیونش سرقت شده‌است. او گفت: کامیون را کنار خیابان پارک کرده و برای انجام کاری از محل دور شدم. وقتی برگشتم متوجه شدم که خودروام سرقت شده است. وقتی پرونده برای بررسی بیشتر به پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران فرستاده شد، مأموران در این باره تحقیقات بیشتری انجام دادند. در حالی که بررسی‌ها در جریان بود مأموران موفق شدند خودروی سرقت شده را به صورت رها شده حوالی افسر به کشف کنند. آنها در بازرسی خودرو گواهینامه‌ای زیر صندلی آن پیدا کردند که مالک کامیون گفت که صاحب آن را نمی‌شناسد. از آنجا که احتمال می‌رفت گواهینامه پیدا شده متعلق به سارق باشد، بررسی‌های بیشتری در این باره انجام شد. تحقیقات نشان داد که صاحب گواهینامه که کریم نام داشت از مجرمان سابقه‌دار است که قبلاً به اتهام جرائم مختلف بازداشت شده و به زندان افتاده بود. پس از به دست آمدن این اطلاعات بود که مخفیگاه کریم در کیشانش شناسایی متهم ۲۰ فروردین ماه بازداشت شد.

کریم در بازجویی‌ها به سرقت سرپالی شش کامیون اعتراف کرد. او گفت: با پرسه در محله‌های شرق تهران خودروهای خاور را سرقت می‌کردم. بعد لوازم بارزش خودروها را باز کرده و به مالخری به نام محسن می‌فروختم. متهم گفت: من از این راه ۰ ۵میلیون تومان به جیب زده‌ام. با اطلاعاتی که کریم در اختیار پلیس گذاشت مخفیگاه محسن در شهرک کاروان شناسایی و متهم بازداشت شد و به مالخری اعتراف کرد.

سرهنگ کارآگاه علی کتجوریان، رئیس پایگاه ششم پلیس آگاهی پایتخت گفت: تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهم در پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.



درخواست قصاص برای پسر همسایه

پسر جوانی که درگیری شبانه همسایه‌شان را به قتل رسانده در جلسه دادگاه با درخواست قصاص از سوی اولیای‌دم مواجه شد.

به گزارش جوان، سیزده فروردین سال ۹۷ زنی میناسال مأموران پلیس ورآمین را از مرگ مشکوک پسرش محمد باخبر کرد. او گفت: «پسر شب گذشته با دوستانش به تفریح رفته بود. او وقتی به خانه آمد گفت سرش درد می‌کند. به همین خاطر یک قرص مسکن خورد و رفت خوابید اما نیمه‌های شب بلند شد و گفت حالش خوب نیست. بلافاصله با اورژانس تماس گرفتم اما او قبل از رسیدن عوامل اورژانس فوت کرد. به مرگ پسرم مشکوک هستم، چون تیم پزشکی اورژانس احتمال داند پسرم بر اثر ضربه مغزی فوت کرده‌است.»

بعد از توضیحات این زن، جسد به پزشکی قانونی فرستاده شد و با تأیید ضربه مغزی از سوی کارشناس پزشکی قانونی، پرونده با موضوع قتل عمد تشکیل و تحقیقات در این زمینه آغاز شد تا اینکه با بررسی فهرست مکالمات تلفن همراه مقتول، مأموران پیامکی را دیدند که نشان می‌داد مقتول قبل از رسیدن به خانه با پسر یکی از همسایه‌ها به نام میلاد درگیر شده‌است. با بدست آمدن این سرخ‌میلاد بازداشت شد و به پلیس آگاهی منتقل شد. متهم در بازجویی‌ها ماجرا جرمش را انکار کرد و گفت: «من با مقتول درگیر شدم اما به او ضربه‌ای نزدم.»

با انکارهای متهم اما بنا به شواهد و قرآن موجود وی روانه زندان شد و پرونده به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. صبح دیروز متهم در شعبه‌وم دادگاه پای میز محاکمه قرار گرفت. ابتدا نماینده دادستان کیفرخواست را قرائت کرد، سپس اولیای دم درخواست قصاص کردند. در ادامه

متهم در جایگاه قرار گرفت و با انکار جرمش گفت: «روز دوازدهم فروردین همراه برادرم به خفه یکی از دوستانم که در همسایگی ما زندگی می‌کردن، رفته بودیم و تا شب بودیم. دیروقت بود و داشتم به خفه برمی‌گشتم که ناگهان مقتول در حالی که مست بود و مشغول رانندگی بود با سرعت زیاد به ما نزدیک شد و به مز کرد. من ناراحت شدم و به او اعتراض کردم اما مقتول پیاده شد و شروع به فحاشی کرد. همین باعث شد هم درگیری لفظی پیدا کنیم، اما با میانجیگری برادرم او در ماشین نشست و رفت.» متهم ادامه داد: «بعد از رفتن محمد، برادرم با من صحبت کرد و گفت او همسایه است و نباید این بر خود را با او می‌کردم. با صحبت‌های برادرم ناراحت شدم و همان موقع به مقتول پیامک دادم و معذرت‌خواهی کردم. او هم جوابم را داد و معذرت‌خواهی کرد. همین پیامک سرخ‌ش تا دستگیر شوم.» متهم در آخر گفت: «درگیری با مقتول را قبول دارم اما درگیری او لفظی بود و بلافاصله از هم معذرت‌خواهی کردم. ما با هم درگیری فیزیکی نداشتیم و به او ضربه‌ای نزدم.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

آگهی مفقودی

برگ سبز، کارت شناسایی خودرو، بیمه نامه و کارت سوخت خودرو سواری پژو تیپ ۴۰۵ دوقانه سبز مدل ۱۳۸۹، رنگ خاکستری متالیک شماره پلاک ایران- ۲۱ ۷۶۱- ۱۱ به شماره موتور ۵۳۱۰۳۳۸۹۳۲۹، شماره شاسی ۱29B639۱2۸۱C۱A۱B۳۸۸۱۱۱NAAM۱ متعلق آقای صادق خادم حسینی گوهر دانی با کدملی ۱۱۳۹۷۱۱۲۶۴۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. البیزر

آگهی مفقودی

برگ اعلام وضعیت (برگ سبز) و سند مالکیت خودرو سواری سیترون زانتیا X2000 مدل ۱۳۸۵ به شماره پلاک ایران ۱۵ - ۵۲۵ ص ۸۵ به شماره موتور ۴۱۲۶۵۳۱ و شماره شاسی S15۱2285۱4280۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. تبریز

آگهی مفقودی

سند و فاکتور فروش خودرو سواری هاج بک - جک مدل ۱۳۹۶ به شماره پلاک ایران ۷۲ - ۵۱۷ به ۸۲ به شماره موتور/ IDH00۱4820 HFC4GA3 و شماره شاسی۱57۱3۱73۲۹HB۱۱۱NAKSH۳29 متعلق خانم فرزانه کاظمی فرد فرزند خداداد با کدملی ۲۵۲۲۱۵۲۵۳۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. شیراز